

استپاری زود پر یکس برخلاف زمان آئین عظیم دوست بوده و همه صحبت نهائی
شورش را حفظ میکردت بهت و خیال پر یکس آئین را حکومت نمود بدون آنکه
یکس از او شکایت کند در حکومت او آئین بزرگترین شهر یونان شد و ضلای
چندی بدانجا کوچ نموده متوطن گشتند این زمان را قرن یکس نامیدند
ملت - در آئین خانواده نجبار و بزرگان فقط حرمت محبوب میشد و فقرا
و کارگران را جزو اجنبیان محسوب میشدند

ملک یا اجنبیان حق تجارت داشته و کی نمیتوانستند زن آئینی تزویج
نمایند اجنبیان حق ملک خریدند در مجلس آئین داخل شدن داشتند
آئینها فقط مصدر کارهای عمده بوده و طفلان آنها در سن بلوغ جز قسوس
میشدند جنجالی آئین دارای اراضی بزرگی بود مانند که زراعت آنها غلات
بوده ۵۶ صفت باغی میکردن تبدیل کوزه گری و آشپزی ۵۷
و استپاری هم توسط غلامان فقرا میشد

مقدار معینی از صنعتگران و عیالات حرمت آئین محسوب میشده ولی عمداً
این ترتیب را ناصواب میدانستند و در سطوح میگوید دولت نظم دولتی آئین
که در آن کارگران در حالت در امور نمیکنند زیرا که شغل حسامی آنها بسبب



سوره ذر زارع که حاصل زرعشان را وزن میکنند

پوشش زکات آنها میکرد



سوره کارخانه آهنگری

حکومت ملت - حکومت آئین بود استقامت شما میکرد مثلاً طاعت در روز

میعنی عدّه دیکل برای مجلس شورای قضاوت انتخاب میکرده و دولت بویک
مجلس یک درهم (تقریباً یک فرانک) و بجزو محکمّه قضاوت روزی سه (سه)
(۴۵ سیم) میداده

یونانیان این قسم حکومت را دیکر اٹلی (حکومت عامه) میکشند و ترتیب
حکومت قدیم را که باخجا بود آریس نکر آسی (حکومت شرف)
یا ایگارتسی (حکومت منحصره) مینامیدند

شورای پانصد نفری - بغیر از مجلس شورای مجلس دیگری بود مرکب از
پانصد نفر که هر سال تجدید میشده برای انتخاب این اشخاص ای زاردی اقلان
سیاه سفیدی نوشته

برای انقاد این مجلس اول اعضایش تاجی بر سر گذاشته و حیوانی بجهت باری
یا این رب النوع قربانی مینمودند و دیگر طرف این مجلس سندی بنا کرده بودند
هنگامی که تاجان مخلوط با اعضای شوروی میکردند

سان دیدن توشن و محافظت آتش مقدس با این مجلس بوده مثلاً این پانصد نفر
بد قسمت نموده و هر قسمتی بدت پنج بقشه تشکیلده پرتیان محافظت مینمود
قضاات - در آتن قضاات زیادی بوده و چنانکه مذکور شد اکثر قضاات



سوره ۵۹ سان دیدن قشون در آفرین

روسای قضات دستر ابرو دار و ساری قشون ده اند
 نظم شهر و ظنون با شصت نفر می شده تمام این جیسرا در امیر از استر اتر ناما انتخاب
 می کردند مدت شغل آنها یکسال و تمام مسوولیت بوده نه شغل قضات هر که
 قوانین مجلس بود

دولت آتن — همانطور که در آتیک حکومت با ملت بود در جزایر سوا حل

سفاین جنگی و تورخانه در نزدیکی این بندر قصبه ساخته و آنرا پیرامیدند سفاین بجهت
در بند لنگر انداخته و مال التجاره خود را در این قصبه میآورند

تجارت این ... این در قرن پنجم اول شهر یونان بود یکی از خطای یونان
میگوید بر بازار عمده آن میبایست

چون زمین آتیک بقدر کفایت غله حاصل میکرد و سلن حمل و نقل کندم را بخارج عمده
نموده بود آتینا مایه و شراب و کندم از خارج داخل کرده در عوض اسلحه و پانچ
و سایر اثاث بابت از قیل کوزه و ظروف ساخته با آنها میفرودختند تجارت

پنجم مرتب شد که از سواحل بحر اسود کندم و مایه پوست و چوب و غلام خرید
در عوض ظروف کفی دروغن و شراب بفرستند آتینا بندر دیگری در دریای اژه
داشتند و از آنجا بابت با تجارت میکردند

چون آتینا در ترانس میادون خوب استخراج میکردند از اینجست شهری در آنجا بنا
و از آن منفی نام میخوانند

از طرف جنوب آتینا با مصر با تجارت داشته و از آنجا کندم میآورند
روزی یکی از ساکنان دکان مصر موسوم به پامتیان ۳۰۰۰۰

بود اس کندم آتینا بخشد (بود اس از اوزان قدیم است و مساوی با

از طرف مغرب آتینا با خوب ایتالیا و مخصوصا با سیباریس تجارت داشته چنان
بسیار سیب خراب شد سائیش از آتینا گند خواستند و آتینا شهر تورنی را
در سال ۴۳۳ قبل از میلاد برای آتینا بنا کردند

آتینا بواسطه حاد و حاصل ایتالیا وصل بود با شهر ناپل و اتروری تجارت
میگردید بازمی آتینا مسکوکات آن از ساحل بحر سودا ایتالیا رواج داشت
زدی این مسکوکات شکل خند یا سیراقن رب انوع نقش شده بود

چون در شهرهای یونان فراخجانه معدود بوده از این جهت در آن همه قسم مسکوکات
یافت شد و هرگاه آن آتینا در اول منفعت میداده این اشخاص را ترا پرست
میگفتند در قدیم منفعت پول زیاد بوده مثلا صد پارچه یا صد بیت همیشه
منفعت میدادند

فصل نهم

آتینا و کاری و اعیان آتین

تزیین آتین — بعد از جنگ با ایران آتینا زحمت و صدقات آتینا

کشید و شهر خود را همسترازمش بنا نمودند

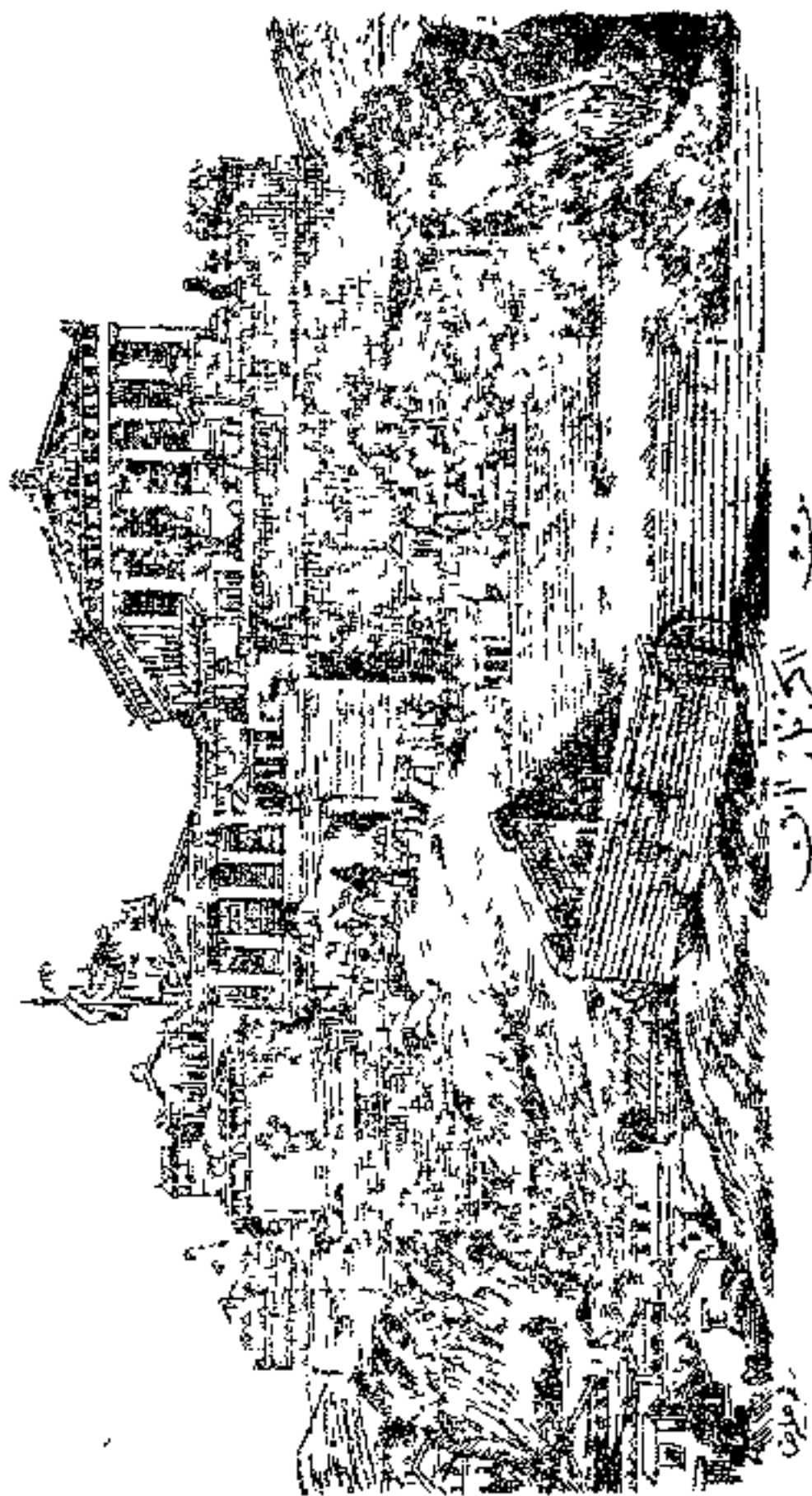
نیمین پالی داک از غارت بعضی شهر حاصل کرده بود برای زینت آن بکار بردند مثلاً
بیدنهائی شهر درختهای خاکشسته و چند آن استون دار و در طرف آنها بنا نمود
یکی از این دالانها موسوم به فسئیل (غون) بود زیرا که چسبندگی آن آتشی
انبار رنگ آتشی کرده بود این نقاشی بعضی خود را رنگ کشید با سیمین آن آتشی
در آنجا تسخیر کرد و آتشی غنیمت خواهر سیمین را آتشی نمود چون سیمین در که نشسته
ترین فسئیل را تمام نموده و جنگ را این را در خط که پیچیده حمله باریان کردند
رسم نمود در این پرده تصویر فسئیلها و سی نیز در رسم رسم کرده بود
چنانکه مذکور شد سیمین معبد تر نیون را بنا کرده و در شکل آکا و موسس که خارج
آن در نور خانه میباشد مجسمه های بزرگ قرار داد
بر کلیسای عالی سیمین و با انجام رسانیده و مقداری پول از کج آن برداشته برای
خارج آنها صرف کرد
آگرل - آتینا بنسبیه عالی و مجسمه های قشنگی ساخت در آگرل و معبد آن
رجه انواع قرار داد و چهار می را که سیمین میخواهد بدو آگرل بنا نماید
انجام رسانیده و فاصله بین چهار صخره آگرل را پر نمود
آگرل بنسبیه بزرگی بود که روی پایه قرار داشته باشد

بریکس در نزدیکی برای اگرین ساخته و خارج آن دو سر از تالان شده
اگر از پائین صخره اگرین عبور کنیم به دلیلی خواهم رسید که موسوم بر پل
در وسط این دلیلی یواری نباشد که بسطو خانی مرکب از شش ستون ختم میگردد
در اطراف این جلوه خان و دلیلی میگرد است که هر کدام را سه ستون نگار داشته
یکی در شمال موسوم بر عقابک و قفس آن از مرمر ساخته شده

در عقب بنای جنوبی معبد و نیکتوار (فتح) دقت شده و چهار ستون هر جلوه خان
از آنجا به داشته در طرفش کتیبه ای است که رب النوع فتح را روی آنجا
نموده اند حال اگر از پل گذریم سجاده مقدس خواهیم رسید که در آنجا
آق از دور نمایان است

در این معبد مجسمه آق پرشس را بنفرو نیزه ساخته در بالای اگرین قرار
دادند اشخاصیکه از طرف دریای آتیک میرسد از دور حقیقت مغرب النوع
مشاهده میگردد

چون سجاده مقدس را طی کنیم بدلیلی شهر اگرین خواهیم رسید یکی پائین
در طرف راست و دیگری از کتیون در طرف چپ
از کتیون نزدیک درخت زیتون مقدس واقع بود و بنا بر قول بعضی مورخین



دوم
الكنز الاني

عبد

بنی چوبی از آسمان در این مکان افتاده است بنا بر ادیکت سلوان آن را
در ارتسئون ستایش میکردند بنای این معبد از مرمر بود در تنفس مجسمه چند خنجر
موسوم به کاریا تید نصب کرده بودند

در کنار آگرنل معابد بزرگین و هفائیس تیس و چند عمارت بخت آگروس و
پان داپلین بنا شده بود در آگرنل آوی و مکنی نبود فقط آنجا برای
خدایان وقف کرده بودند

پارتین - شهر بزرگ بنای آگرنل پارتین است که در آن معبد آن ساخته شده
و پنج سال بنای آن طول کشیده

تمام پارتین از مرمر معادن سنگی ساخته بودند
شکل این معبد مستطیل و دارای شصت و هشت ستون در عرض می باشد
هشت ستون در عرض و بیست و هفت ستون در طول قرار داده بودند
در این معبد بسمت مشرق باز شده و در مقابلش جسلو خان بزرگی بود که هشت
ستون آنرا نگاه میداشته

در بالای ستونها چند سنگ موسوم به آرشنی ترا و قرار داده و در فوق آن
قطعات سنگی دیگری موسوم فریزر گذاشته بودند در فواصل انتیطات مرمر

کرده بودند انتهای قلعات را تیر تکلیف در مرزها را بتپ میساختند
در روی سنگهای مرز چند کتیبه مجاری نموده و جنگ ساختارها و حوادث را کتیبه
روی آنها رسم کرده بودند

در اطراف تختانی جلوه خان معبد چند کله شیر ساخته و لوله های نازک در آن بگردن آنها
وصل نموده بودند در اطراف فوقانی چند مجسمه قرار دادند

چون از جلوه خان بگذریم به دهریزی میرسیم موسوم به پرناس (منزل اول)
در عقب این دهریز معبد حقیقی ناس (منزل) و اقامت در جلوه معبد سه دالان
بنا شده و هر کدام دور و یک ستون دارند

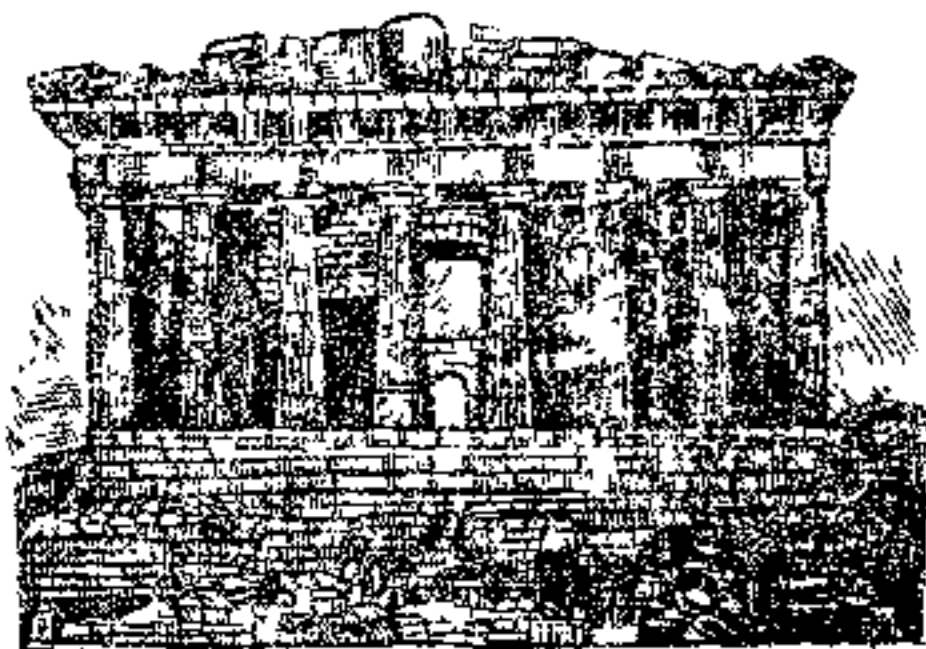
در ناس مجسمه اتن را که فید یاس ساخته بود روی پایه قرار داده اثر بت این
زده طلایی پوشیده در دستش تیزه و در پانین پایش سپرد ماری گذاشته شده
صورت و دستهای الهه را از عاج ساخته اند

گویند فید یاس منجوست مجسمه را از مرز بهار و آفتابها او را از این خیال برگردان
گفتند صرفه جویی برای خدا یان حرام میباشد و باید تمام مجسمه از طلا ساخته شود
در اطراف معبد سلحیه زیادی از قبیل سپرد و ظروف طلایی یا نقره او نخته بود
در عقب ناس در کوچکی بود که به تالاری موسوم به اپیس تد ناس (منزل)

باز می‌شد

خریدند تا با جادو تختی در صفا و شمشیر بار و یونس و تحت پایه طلانی گزینش در آنجا
مخوی بود

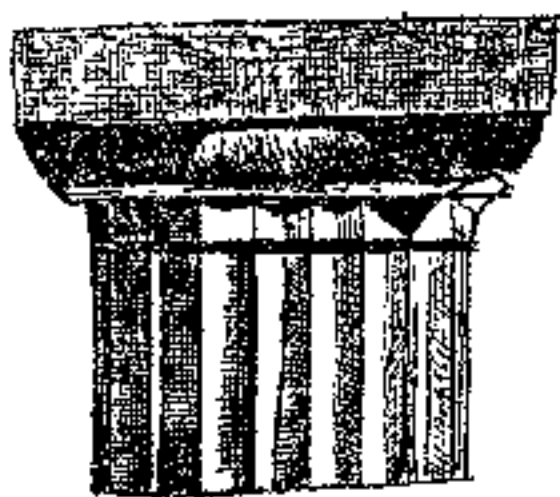
در طول ناس و این شمس در تمام سینه و مهر کتیبه چندی بود موسوم فریر ناما
و طول آنها ۱۵۸ مطر بود در حدین کتیبه زبانان است انواع وز و آرش رسم شده
پایه تن بقدری ناسم بود که تا قرن بعد هم عول کشیده از صدف است و اف
مخوفه چون می بیند آن در سال ۱۶۸۷ م صحره کردند قسمتی از بار
با باروت صراب کردند اکنون عده از ستونهای مسجد با ساء



معماری

سواد تصویر پارتن حایه

معماری یونان - یونانیان در معماری هنر زیاده است و مخصوصاً
 بد طولانی در ساختن ستونها داشته اند یونانیان غالباً بسک درین
 بنیانها و کرسیها بنا می نمودند بسک درین قدیمی تقریباً تا قرن
 ششم در جزیره سیسیل و ایتالیا رسوم بود

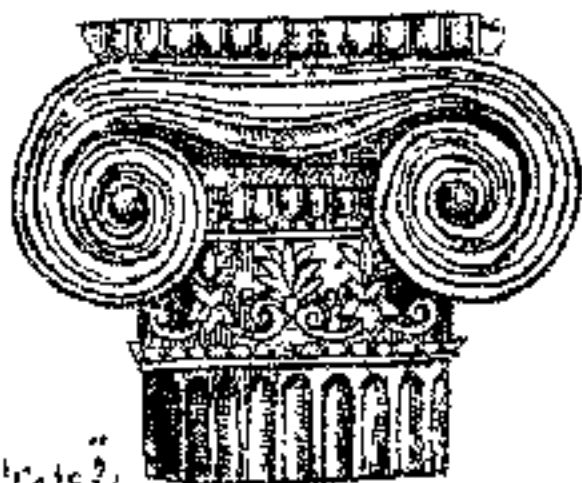


ستون بسک درین

بسیار بنیاد مثل شرق
 زمینها بود و این بسک از
 قرن ششم قبل از میلاد تا
 چهارم بعد از میلاد مرسوم بود

۶۳

بسیار کرسیها در عصر پلین
 خراع شد و اصل آن را



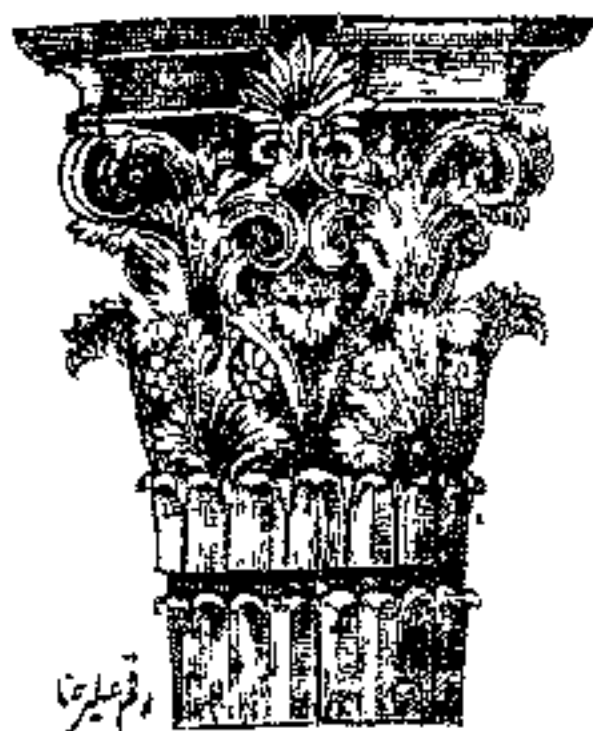
رقم غیره

ستون بسک درین

بدین شکل می کنند
 یکی از خراصان کرسی چون
 مرد دایره اش آلات زینتی
 که این دختر مالک بود

برس ساد و سبده می روی نهان داشت بعد نزدیک سید چکی از زمین برود
آمده و آنرا از کربلای شستور نمود گالیاک جواز شده کرده و سرستونی بدین

ساخت



و قم علیا

سرسون بسکه کونی

منظر معبد بر حسب نقش

تغییر میکنید مثل استونهای

معابد قدیم کوتاه و نازک

و ستونهای جدید بلند

ظریف بود معابد

یونان غالباً ملون رسیخ

و آبی زرد و سبز بوده غالباً کتیبه باره قرمز میکردند معابد قدیم تمام ملون و

معابد جدید فقط ستونها و مجسمه آئین ملون بود

فیدیاکس - اطلاع صحیحی در باب زندگی جاران و سماران نداریم و

فقط میدانیم فیدیاکس مشهورترین آنها بوده

ایشخص حجاری اول نزد اریلادیس اگسی آروخت و در عصر سیم مجسمه

آتن پر ایشس را ساخت بعد پر کلیس او را برای حجاری پارتین آورد

چند سمار و چهار قابل خدمت او را میگرداند اما خود فیدیس مجسمه آتن را در طلا
 و عاج ساخته و ساگردانش فریزر پانائین را ساختند
 گویند چون مجسمه تمام شد آتینا فیدیس را خان قلم دادند زیرا که روی سپهر آتن
 تصویر خود و پر کلین را حجاری نموده بود و حجتار مشهور را اصرار کردند
 فیدیس آتینی رفته و مجسمه بزرگی برای رتبه آتار باب ساخت این مجسمه بقدری
 قشنگ و ظریف بود که هر کس آنرا ندیده بود خود را بدست تصویر میکرد و در پای مجسمه
 این کلمات از قول رتبه آتار باب حجاری شده بود

(فیدیس پسر شازیدیس این مجسمه را برای من ساخته است)

عید پانائین — در آتن اعیاد چندی برای رتبه آتار باب انواع مراسم بود ولی مشهورترین
 اعیاد عید پانائین بود که هر چهار سال منعقد میگشت. ۲۰۵ ۲۰۶



۲۰۵ عید پانائین

روز هجده تمام زوار جمع گشته نقابی برای ستودن بت رت لایع میزدند و خمر
 بنجاردت ز ماه این نقاب را بافته بودند طرف آن زردوزی و در وسطش
 جنگ خدایان پس را باقیان (عفریان یا دیوان) ظاهر ساخته بودند



ساعت چهارم تا شش شان نقاب برده
 تمام زوار در قبضه سر امینک جمع گشته بجاده مقدس میآمده بعد از آنجا باز
 میرفتند در جلوشان حرکت میکردند و یک دست در خمر لباس هوایی پوشیده میکردند
 طرفی در دست میکردند در عقب آنها یک دست دختر و یک دست موسوم کالافض اشیا
 مقدس را در زینتی کرده روی سرشان گذارده میسروند این دختران از
 طایفه نجیب بوده اند

دختران متک (آهنپسندان) در عقب دهر که هم نقاب میچسبند در دست
 بعد از دختران حیوانات قربانی را میآوردند و در جلو و عقب حیوانات خشک

بعد از این سایرین حرکت میگردید و هر کدام شاخه یونی برداشته در عقب پیران
 جوانان و سواران سوار و قشون میآید



سواران یونانی در عهد پادشاهان

تمام اینجیمت مقابل پارتین صف کشیده قربانی میکردند بعد کشتن در سبده را با ناله
 و تمام مجسمه آتین رت انواع را مشاهده کرده تعظیم نمیدادند
 یا عباد و یونیرنس و تراروی - در آن عهد برای یونیرنس
 رت انواع نباتات رسوم بود

در عهد گلها (آفتس تری) یعنی در ادوارستان ملت حصول شراب را در
 یا طرف گل ریخته با فحار رت انواع می نوشیدند

روزی تمام گلها از گل تریب داده بر سر یکدیگر آشفته و هر کدام به لفظ سر

در ظرفی ریخته و در مکانی بریاست آرگنت پادشاهی نشسته بعد صدای پادشاه
یکه غوغا و فریاد برپا شده و نوش با کویان سر میکشند هر کس که ظرفش زود
خالی میگشت او را جایزه و انعام میدادند

چون تمام شرابها نوشیده میشد تا جایی که در در معبد رت انواع قرار داده و در
ارگنت پادشاه با چهارده زن دیگر حیوانی قربانی میکرد
بعد از نگاه عید دیونیزی شروع میشد اول بت رت انواع را در قصبه سراسر
گردانده و در جلوه محراب بعد دیونیزس آواز مخصوصی موسوم به دیونیزس
اینهمه آوازها خوانرا تراژیک (تراگدی یعنی بزرگ) میگفتند زیرا که آوازها خوان
بشکل سائیرا لباس میپوشیده

بعد از سائیرا شخصی نقابی کتانی ظاهر شده و او را دیونیزس میامیدند این شخص
روی عرابه سوار شده با سمرانانش صحبت مینمود

غالباً این عید در نزد یک تریزی سیاهی که در میدان بازار واقع بود منعقد مینمودند
باید دانست که این عید در واقع فقط مخصوص دیونیزس بود بلکه آنها را برای خدا
و پهلوانان بسم تشکیل میدادند فرینیکوس مجلس تیاتری تشکیل داده و تخیل
ظاهر ساخت در این تیاتر بازیگران لباس زنان درآمده بودند

هشتم که عقب به خلاق تراژدی می باشد تا تراوفا تا خانه ای بزرگ
 ترقیب داده و تراژدی (یا ترنجم نگر) به ختم مرسوم است
 مکه می - بعد از خوش حسنی نو یونانیان عید لن را تشکیل میدادند در آن
 عید مقدار بی شراب برای دیونیرس وقت نموده و مجالس مهمانی منعقد میشد در تمام
 شهر با تاجارندایان آواز میخواندند بعد چند نفر را مثل سایر آواز به کانتا
 لباس پوشانیده و صورت آنها را از تعالیه شراب طون میکردند تا شاید
 این اشخاص جمیع که ترقص و عرب نموده کاهی ششام و کلمات مسخره آهنگ
 به بوی میکشد این وضع مرسوم به کنش بود
 اطلاع صحیحی در باب این عیاد نداریم لکن پسندی که واضح می باشد اینست که
 سوزاریون این عید را در حکار مرسوم نموده و آقیبا تقلید او را نموده بعد کم
 این عید مرسوم گشته و باز گیران خدی در روی عربیه سوار گشته مجلس را به
 در می آوردند باین قسم که دی (یا ترنجم نگر) تشکیل یافت
 شب آخر - تراژدی و مکه می را اول روی عربیه ظاهر می باشد بعد چون
 این اعمال صعب و دشوار بود بنای بزرگی بر روی تماشا چیان باز گیران
 ساخته این بنا در دست شد و آغشته و سنگهای ته را احجار می نمودند

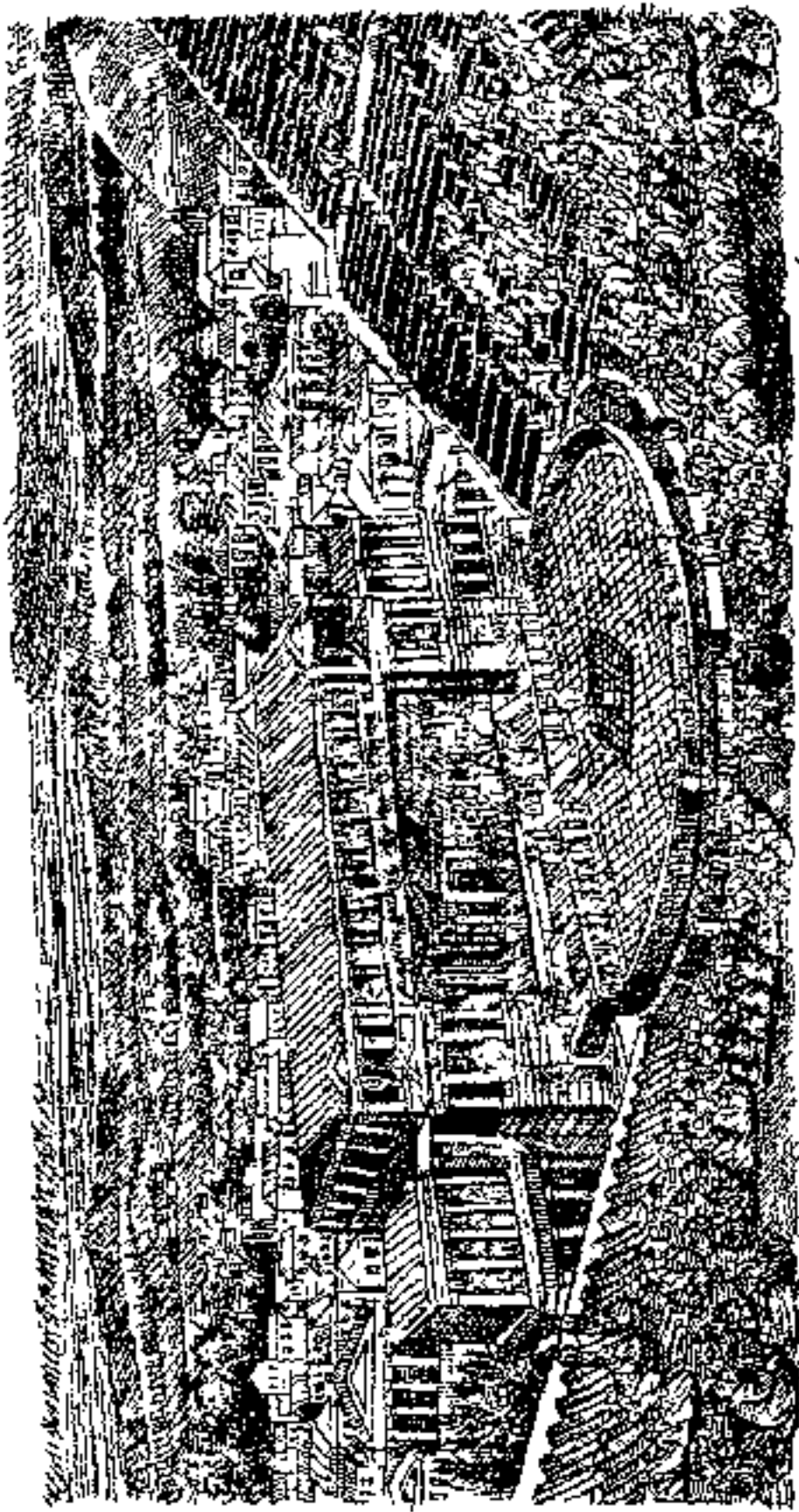
چند می ساختند تمام این شبیه به یک نیم دایره بود (این نیم دایره را تیار تیار تا شا
خان نامیدند)

در سه طبقه پانین کشیدند و در طبقات دیگر تا شا چنان می نشستند در پانین چنان
دیگری بود آنهم شکل نیم دایره و آنجا را آرگستر (محل رقص) نامیدند
در وسط این بنا محراب رب النوع واقع بوده و آوازه خوانان درون یک جای
بدوران میگذشتند ۶۱

در مقابل تا شا چنان محوطه موسوم سن (مجلس) واقع بود و در جلوه آن
مسالی بزرگی بود که بازگیران در آنجا می ایستادند این تیار شبیه به یک
مذهبی بوده و هر سال آنرا تجدید می نمودند

یک ارگشت در این عهد بود و وقت یکی از شبها در برابر می تیار آلات آوازه
تیار انتخاب کرده دورا گمرازه لقب میدادند

مخارج این تیار به پانصد درهم میرسید برای تراژدی پنجاه سپرد برای کما
بیت پنج سپهر حاضر نموده و پول زیادی آوازه خوانی داده سپهر از آن
خواندن می نمودند مخارج بازگیران و نوز کچان هم با ارگشت بوده
این تیار مدت ده روز طول میکشید زیرا که ارگشت با با هم رقیب بودند



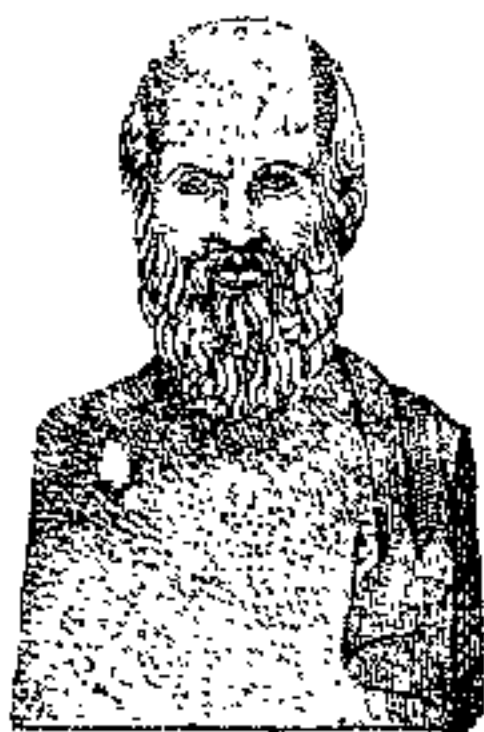
سازمان پست و تلگراف ایران

سه دفعه تراژدی پنج دفعه کمدی انجامی آورده هر قطعه یک روز بطول میکشد
هر مجمع تراژیک مرکب از سه تراژدی (تراژدی) و یک قصیده ساتیریک بود
در طالع فتاب تیار شروع میشد و سی هزار نفر در آن میخوانستند خصوصاً باند
فقت و جوان نغری و و ابل بود

نواره خوانان اول به اکثر آمده و در محراب طواف میکردند بازگیران بعد از آن
آهسته آهسته در روی نم که در تقاضای کلمه در نیم بود می ایستادند

و بسا بازگیران تراژدی شبیه مشرق زمینا بود ولی بازگیران کمدی لباس کوتاهی
پوشیده و نقابهای مضحک و عجیب و غریب بصورت میآویختند
هر قطعه تیار با سه بازگیر مجری میشد و مرتب کردن تمام آنها با کراش بود
بعد از اتمام تیار قصصات برای جایزه دادن روز جمعه کشته و اسم آنها را در
سه پایه می نوشتند

مصنفین در ارم - در ارم تیار است مرکب از تراژدی کمدی مصنفین
در ارم شعرای مشهور یونان بودند اغلب تیار آنها تلف کشته ولی اسم سه شاعر
با اشعارشان از برای تراژدی یک شاعر از برای کمدی بیاد کار مانده
مشهورترین مصنفین تراژدی ایشیل میباشد برادرش سچی نویسنده



سوق اشیل

مادرتن گشته شد سوق
شاعر خودش در سال این
جنگ کرده و آنگاه برین
آمده تا تری بنقد نمود
ادھر عمر اشیل بخیریه سیل
رفته در آنجا به رود زندگانی

گفت

شاعر دویم سفکل من است بسیار این شاعر مدتی در آتن کار کرده و صد تراژی

تالیف نموده آیتنا بیتیه اورا محترم
نگاه داشته و حتی دو دفعه اورا آستری
نمودند سفکل نو سائگی در کد
شاعر سیم ارنی سید است که
کمد سبری فروش بوده همیشه با
دانا کراگر فیلسوف مراد و سید
غالب شمار این شاعر مدتی در



سوق سفکل

بوده چون اشاراری پیدای فلسوفی و اسلامی میدیند باو محبت نمیکردند
اینجست شاعر بقدری آمده و از آنجا که ترس رفت سن ۶۱

آرستقان شاعر گندی بود است

مدت چند سال اشعار ضحک میزیند

دادند همیشه بر ضد حکومت عامه و

مجلس و فیلسوفان و مخصوصاً بر ضد

کلمن ریس فکر اتنا و سقراط داری

پدید سخن میزد چون گندی شستن

در آن آزاد بود از اینجست حکومت

از امانت نمیکرد



این چهار شاعر در یونان بلکه در تمام عالم مشهور شدند و هنوز اشعار قصاید آنها در دسترس است

فصل نهم

زندگانی در یونان و اوبیات

زندگانی مادی — چنانکه سابقاً مذکور شد آب و هوا در یونان بسیار

گرم و خشک میباشد و در تمام فصول میتوان با کمی لباس و خوراک زندگانی

نمود مدت چند قرن لباس یونانی
 فقط از کلب لباس رومی کتب بود
 شستن لباس کمانی طویلی بود
 که بی یونانی پوشیدند لباس
 مردان زمان س ۳۲۰ تقریباً
 بعد پدید آمدند باید دانست که
 یونانیان تقلید آسیایان را کرده
 و بعد مثل آنها لباس پوشیدند

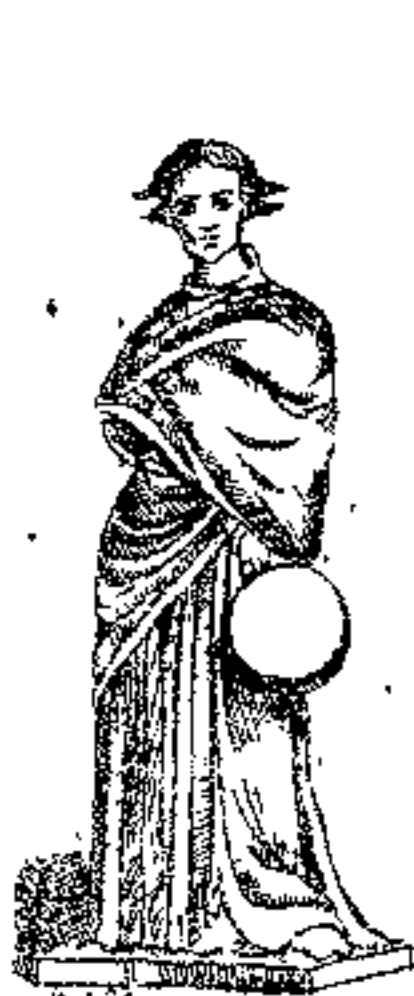


س ۳۲۰ یک زن یونانی که لباس می پوشید

یونانیان چون از خانه بیرون میآمدند قسمی شل کتای رومی لباس فرخ و میپوشیدند
 کفش آنها از چوب بوده و بوی مطه چه تسمه او را روی پای می بستند س ۳۰۰

س ۳۰۰ س ۳۰۰ س ۳۰۰

زمان کیوانشان را گلوله نموده در عقب سر می بستند مردان غایب مسر بر می
 دریش و سیل پامی تراشیده در سفر یک قسم کلاه عرضی بر سر می گذاشتند
 غذای یونانیان بسیار غیر مطبوخ بوده و طبخ قابل ندشتند س ۷۷
 غایب با قسمی حریره و نانهای کلفت خوش تغذیه می نمودند



فداکاری

۲۴۰ یک زن یونانی



۲۴۱ وفای دین

یونانیان شراب کم استعمال میکردند و نمالبا آن را با آب مخلوط میکنند و با
 غذای نجیب و خوشنیا، از میوه شاد و من سبب بود با قلاب و پیاز و انجیر
 پیاز مرکت بوده

یونانیان اول نشسته غذا میخوردند بعد تعلیمه آسیا میبارانموده غذا را روی
 پیاز صورت میکردند



۲۵ دو یونان یونانی
در مجرای سینه



۲۶ دو زن یونانی که آب بر سر



۲۷ عیبان یونانی

مسابد یونانیان از مردم خوشی
باشکوه بود ولی شهر با این
و در ای خسیه با ندامت شکست
دیوار منهدل کوتاه دغا
درد و نا آهنگار احزاب ستموند
اطلاقای منازل بی خجسته و کجی

بود مردان نیکو برای خواست نخواستند از آنکه زن که با آن نیکو است



سوت و درایع که روغن میگیرند

در درختخانه با بود و برای کسب جرمکاهی در دکانین و لاکان یا استنکران میرفتند
 در یونان چون شخصی میمرد او را در عزایه گذاشته و چند نفر پارچه بر سر او انداخته مرده
 تا قبرستان برای میگردند ۸۹



سوت شیخ خانه یک یونانی

غلامان و سیران — در شهرهای یونان عده غلامان و سیران
 بیشتر از یونانیان بوده

یونانیان غالباً از نمالک لیدی فریژی و سیری غلام میخریدند
 جراحی و اعمال دیگر با غلامان بود بعضی از کتیزان پارچه میبافیدند و برخی کتیزان
 آهستان نموده تان میبختند



۸۰
 و کتیزان کتیزان میبختند

۸۰
 بر خانوا
 افتاده غلام و کتیزان
 نجیب و غنیان صد غلام
 و مقدار زیادی کتیزان
 بعضی از غلامان آشپز

یا نقاشی یا اسلحه سازی و یاد دلاکی مس ۸۱
 میموده در آن غلب غلامان

علاج یا تاجر بوده است
 بر کدم در کانی نشسته
 دخل را برای خود و نصف
 دیگر را بجانان میدادند
 ندان حق و قول در حقایق
 شهر و در خانه و بیجا



۸۱
 در خانه و بیجا

نداشتند آرسطو میگوید غلام آلت ذی روح میباشد
 و یونان غلامان بسیار داشت میکردند مثلاً در آتن چون نزاعی بین دو شخص
 واقع میشد غلامان بهدیکر خصم ضبط نموده و برای بروز دادن خبر صدقه زیاد
 بآنها وارد میکردند

یکی از خطبای یونان میگوید برای اثبات کنایه و تقصیر شکنجه بهترین سیال است
 زمان - تقریباً در تمام شهرهای یونان زنان غالباً در اطاقی موسوم

رئیس (منزل زنان)

بی نشسته در طفولیت همیشه

مادر بودند س ۱۲

در سن بلوغ شغل زنان

فقط منحصر به بافتن و زردی

کردن و نساجی س ۱۳ بود

زنان مادر و ادریس میخواهند

صفات عمده زنان منحصر

با طاعت و سکوت بود



رقم علیه ضا

س ۱۴ یک دختر یونانی با مادرش



رہنما

۱۳ زمان فواج

در پانزده سالگی (من تزویج) پدر و خورشید یکی از دوستانش تزویج میسند
چون آن بخت شومرد آسلی میثی فی انور در طاق مخصوص خود رفته و طبت خلا
و تپه کارهای خانواده را میسند ۱۴

در اعیان و مذہبی زمان با خلا مان از خانه بیرون میزند و کمزنی بی ادب
شومر ش بکافی میرفت اورا جسر زمان با نجیب محبوب میسند
طفالی - تربیت طفالی با پدران نبوده فقط چون طفل تولد میسند
اورا نزد پدرش میروند اگر پسند واقع میسند فی انور اورا در خیا بانها
شهر میسند تا آنکه کسی اورا سخا نه خود نزدیک کسی طفالی حد دلولاده را

کسی برنقیداشت و بدینجا
 میزدند که بر عکس طفل مطبوع
 پدر واقع میشدند در سینه پدر
 خود میسپردند که در سینه بود
 این بیرون آمدن منع میکردند
 ولی پس از آنکه حضرت
 فقط در خانه نگاه میداشتند



اطفال بسیار زیاد اگلمان (عده) می سپردند و تربیت اطفال با آنها بود
 در مدارس آن خواندن نوشتن و حساب کردن و آوازه خواندن را اطفال
 می آموزانند اطفال غالباً اشعار هم را حفظ میکردند
 تحصیل در این زمان بسیار مشکل بود زیرا که علوم را روی پاپیروس (گیاهی است)
 که در مصر میروید می نوشتند و این نسخ خطی نام دارد که آن بود
 برای نوشتن صفحات چوبی یا آهنی را از موم مستور کرده و با سوزنهای موم
 با استیل روی آنها می نوشتند
 در سن نوزده اطفال بزور خانه رفته خاک کردن سینه کشتی گرفتند

و دیدن بریا بخشد

در آن روز خازنه بودی برای بجا آوردن کیری برای احسان و موسوم به

سین شازر بود



س ۱۵۰ منه جان سرباز آقا

اطفال و نوزده سالگی در ادارات نظامی داخل گشته است و سوال خدمت
انجمن عامه - تمام کارهای عمده و تریبات حکومت با نجای آقا بود غایب
آنها در مکانی جمع گشته و در باب کار با مشورت مگردند
این انجمن های سه مرتبه منعقد میشد در تهران پنجم در میدان اگر جمع میشد و
در قرن ششم در چنگیز که در دهانه صحرای است مجلس میکردند
در تمام این انجمن هیتی گذاشته بودند اعضاء انجمن روی پدانشته در مقابل
ایشان سکونی بجهت قصات ساخته بودند

بزرگی نفع و انجمن قصبات جدید خوک در مجلس گردانده بعد نماز اذین نموده چون
از خون آنها غشسته میگردند بعد یکی از قصبات دعائی خوانده و بعد باین
چون تمام اعضاء در جای خود می نشستند یکی از رزمای شورائی پانصد نفر از جای
خود بلند شده مقاله تیسرا که در آن باب با بصحت بود پیش نهاد انجمن عامه می نمود
حلقه در باب کار با بصحت نموده از انجمن جواب می طلبیدند هر کس که آن مقاله را
نمی پسندید و تشکر را بجا نمی کرد

اگر قانونی را از انجمن عامه بخواهیم تصاویر میفرستادند و در کمی شرفی لغو
تفتین را از تمام کارهایش ضمیمه نموده و غالباً در او در شماره هفت محبوب
محاکم تصاویر است - انتخاب قصبات هم با ملت بود انجمن آنها بود
به طلبید و بعد از آن انجمن حکومتی بود و در روز اعضای انجمن در میان
جمع شده محل شوری و مرافقه در معین میگردند

هر قاضی رئیس ۵۰۰ یا ۱۰۰۰ یا ۲۰۰۰ نفر بود در مجلس مقصر و مقصری
حاضر شده مرافقه خود را بیان میگردند قصبات بعد از اتمام حرف ایشان
پندر یک ضمیمه بسیار و نظری موسوم به اورن میبندند (اورن
خرنی بود که در آن که استقرش مردار را میبندند)

خطباء - در آن خطب بسیار محترم و بزرگوار بود و از بعضی مثل پرگلیس و کلین
و دشتن در باب جنگ و صلح و ترتیبات حکومت صحبت میکردند و برخی در باب تجار
و مذهب سخن میسراندند

در آن کسی حق و کبیل گرفتن نداشته ولی از ابتدای قرن پنجم هر کس مقداری
پول بخطباء داده ایشان را کبیل مینمود مشهورترین کلا در عهد ایر و لیزیا
بوده اند خطبای قدیم مقالات خود را نمی نوشته از آن جهت اطلاع صحیحی در باب
آنها نداریم ولی از قرن پنجم خطباء مقالات خود را نوشته اند و مقالات
نفر از آنها با یادگار مانده و آنها را ده خطیب استیک مینامند

مورخین - در قرن ششم مردمان زیادی مخصوصاً در شهرهای یونانی آسیا
زندگانی خود را وقف تاریخ نوشتن کرده بودند و نام موسوم لکگراف
میشدند

مورخین مشهور اول آسیا بوده اند و هر دقت مورخ قدیمی ترین آنها میشدند
این مورخ در یکی از شهرهای آسیای صغیر موسوم با لیکارزاس متولد
و مدتی در ممالک آشور و مصر و اردو با سفر کرده جنگ ایران و یونان حادث
و در موسوم ایرانیان را در تاریخ خود نقل کرده

تاریخ هردت به نه قسمت بوده و هر کدام برای یکی از نوزاد (رتب النوع
طرب) نوشته شده بود

هردت در تاریخش محسّات زیادی از آئینها نموده بود و حکومت آن از آئین
و دتالان باد جایزه داد

توسیدیت مورخ آئینی بوده و معادن طسلا می یاد می ترس مالک

ریاست سفاین جنگی آن مدتی با توسیدیت بود لکن او را مهم کرده و از آن

خسر جهش نمودند مورخ بدبخت به اسکاپت هیل که در ترس است

رقه و تاریخ جنگ پلنیز را نوشت بیچاره بسنوز تاریخش را تمام نموده بود که او را

قتل رسانیدند ۸۲

گزنقن تاریخ توسیدیت را تمام نمود این مورخ یکی از سرداران بود که

آین بوده و مدتی در آسیا جنگ نموده ولی فایده از قوایش نبرده او را

از آن خسران کردند گزنقن بآید که یکی از شهرهای سپارت است

در آنجا ستون گشت گزنقن تاریخش را بزبان ساده نوشته و مخصوصاً جهت

ده هزار نفر را که خود سردار آنها بوده و بعد از کور خواهد شد بخوبی نمایان

سوفسطاسان عالمه معانی و سامان — در عصر کلین



حضرت قوسیدیتا رقم علی

مردمان چندمی بر آتن آمده
 از تقوی و جوادیت و نبوی
 در عجز سخن سیر اندکجا
 از آنجا موسوم به حیسان
 گفته من بر خصیت کا
 یسکنم

این اشخاص دوست و دشمن زیاد داشته زیرا که غالباً عقاید بحد این زمان
 نداشته متناظر تا اگر اس که معروف ترین آنهاست گفته نهان بقیاس
 بر شیئی است و وجود خدا یان نیست و اینم ثابت نمایم آئینها را اینهاست
 تیز گشته مگر قتل اور بستند پرتا اگر اس فرار نمود
 و یا اگر اس که از ساکنین ملین بود عباد مذمبی از لرزین را مسخره نمود آئینها
 اورا تعاقب کردند و یا اگر اس شهری فرار نموده نور را خلاص کرد
 اطلاق صحیحی در باب سوزنهای آن نداریم لیکن در صحت که پرتا اگر اس پر دیکو
 اشخاص حکیم عاقلی بودند
 در همین عصر مردمان دیگری بر آتن آمده سخاوت زیاد می نصاحت و جفا

نوشتہ مشہور ترین این علماء اور خبریہ سبیل آ رہے اند

گوریا سس کہ از ساکنین این تہی است در مقالات خود میگوید بخت
و فصاحت رہستوان آموزاند ولی تعلیم کردن عقل محالت - بیچ بوجودی نیست
- اگر موجودی باشد شناختن آن محال است - اگر ہم شناختہ شود آن را با شکت
نخواہند توانست برسانند

گوریا سس مئی در اتین سہر برد و ہمیشہ اورا محترم میداشتند بر چند از اہل سبیل
لکن مقالاتش را بزبان آنگاہ نوشتہ بود
یکی از علما ی سبیل موسوم بہ گوریا سس کہ از ساکنین سیراگور بود مقالات چندی
باب رافضہ و شکت نوشتہ

تیزپایس یکی از ساگردان گوریا سس کہ بود اگر من توانم ہر رافضہ را در محاکم قضات
بایبات رسانم مبلغی پول بہ استفادہم تقدیم خواہم کرد چون تعطیلش تمام شد گوریا
پول طلب کرد تیزپایس مذاکرہ گوریا سس را بجلد قضات برد تیزپایس
تقابل تمام قضات بند شدہ گفت اگر مسلم من چیزی ثابت کند من بیچ نخواہم داد
زیرا کہ من باہر قرار دادہ ام کہ چون ششی را من بایبات رسانم باہر جائزہ دہم قضات
متجب گشتہ حرف اورا پسندیدند

فصل نوزدهم جنگ پلینز

آغاز جنگ - در سالی که آتن با اسپارت صلح کرده بود یعنی در سال ۴۴۵ آتن اول شهر بومی اسپارت اول شهر بومی یونان گشت و هر کدام متعهد شدند با خود دشمنند

اسپارتهای در تریجات حکومتی یونان در حالت نیکروند لکن کرش که با اسپارت متحد بود رقیب آتینا شد زیرا که تجارتش ضرر بر اسپارتهای کرنت با کرسی که یکی از شهرهایش بود جنگ میکرد زیرا که حیوانات قرمانی، ابرامی و غیره کرنت نخرشاده بود کرسی را از آتن ملک خواستند او هم متصدری گشتی و قتلش به کرسی فرستاد

در این زمان پستید که یکی از شهرهای آتن بود بر آتینا شورید که نتواند رقیب آتن بود چندی گشتی به ملک ساکین پستید روانه کردند
میکار نامهم بر آتن شوریده و آتینا قرارداد دادند که از آن زمان بعد سفایین تجارتی میان میکار و یونان داخل نمایند میکار نامهم قسمتی از اراضی تنیک را غصب نموده و آنجا را زراعت کرده برای همیشه وقف نمودند

در جنگ لرت با این نمایندگان سپارت و بکار و کثرت جمع که قرار جنگ
دادند ولی آئینا یک در مجلس حضور داشته مخاطرات و صدمات بگوشه نهاد مجلس کرده
سپار تیا کوشش با غیرها کرده و برایت آرزید استرس پادشاه سپارت
سال ۳۲۶ قمر از جنگ را دادند

سپار تیا اول از دلف وحی خواستند وحی رسید آئینا از بقوت غلبه خوا
کرد سپار تیا در این باب با متحدین خو دشورت نموده و از کبج و لطف و آئینا سلطنی
پول برداشته چند نسیفه جنگی ساختند

آئینا پیامی اسپارت فرستادند که تصور نکنید آن است تر و ضعیف تر از اسپار
اگر مساوی شهر اسپارت نیست به شک از اوقه تیر است
شخصیت ملاتنها - قبل از جنگ تب با که دشمن آئینا بودند کوشش زیادی
نموده و شهر کوچک پلات را تسخیر نمودند

در اوایل بهار سال ۳۱۷ سینه مرد جنگی تب کین نمود و در مستی بارانی در
پلات شده و فریاد کردند هر کس میخواهد برسد باشد اسلحه خود را گرفته به باطنی رود
پلات تا بجز تسلیم چاره ندیدند ولی چون صبح آمد پلات با خیابانهای شهر را
کرده حمله بست آنروز در زمان پلات از بالای باها سنگ بر دشمن برنجستند

خود را بگمانای تنگ شهرا بدخت خواستند از دروازه که داخل شده بودند فرار نمایند
لکن دروازه بسته بود از اینجست عده نقل رسیده و عده خود را از حصار شهر
پرکت نموده هلاک شدند

ملاقات نامه اسپر خودر کشته و برای آتینا خبر این فتح را دادند آتینا
چند کشتی آذوقه بدینجا فرستاده و زمان ملاقات را به اتیک آوردند
استیلا و اتیک - قشون آتین مرکب از ۱۳۰۰۰ سپهت و ۱۶۰۰۰
کماندار و ۱۲۰۰۰ سوار و ۱۶۰۰۰ برای ساحل بود

شهرای متحد آتین ۳۰۰ کشتی و سالی ۱۰۰۰ تالان برای آتین میفرستادند
آتینا در معبد پارتنون ۶۰۰ تالان بفریز ۶۰۰ تالان و شش طلا می آید مالک بود
تمام شهرای پلینز بفریز ارگس و آتین اسپارت متحد شدند
قشون اسپارت زیاد تر از آتین بود لیکن بی پول و بی کشتی بودند و بکلینس
قوه برتری اسپارت را میدانست آتینا را مجبور بختک بگری نمود
تمام سکن اتیک به آتین آمده و جوالی بندر پر میسکن نمودند اسپارت تمام
شهرای متحد را بر جمع کرده و ۶۰۰۰ نفر بریاست ارکیدس پادشاه اسپارت
در سال ۴۳۱ به اتیک روانه نمود چون اسپارتیها به اتیک رسیدند شهر را خالی

مقداری، آبل شده و مقداری در سیرون چاورد زود
سپارتهایک را عادت کرده و در چهار ابرو و پرومار آتش زود آتینا
از دور سینه آتش را مشاهده نموده خواستند از سنگر بیرون آمده جنگ نمایند
لیکن پر کلیس ایشانرا مانع نموده کفت درخت اهمیت ندارد باز سال دیگر
خواهد رسید ولی انسان چون گشته شد محاسبات دیگر زنده شود
بویسته تنگی آذوقه سپارتهای بعد از یکماه از آتیک بیرون آمدند
سپارتهای آتین از بند بیرون آمده و سواران سپارتهای را عادت نمودند
پر کلیس بعد از عادت آتیک با ۱۳۰۰۰ نفر به بیعتی به عمارت رفت ولی چون از آن
سوخش بود اول آنجا را سحر کرده و آتین را در آنجا مسکن داد
طاعون آتین — در سال ۱۳۰۰ هجری سپارتهای آتیک را عادت نمودند
در این زمان طاعون سختی در آتین بر دگر و گویند این طاعون از مصر یا ایران سرایت
کرده بود زیرا که اول بواسطه تجاری که در بند برآمده آمده بودند ناخوشی
بروز کرد و آتینیا تصور میکردند که آتین رب انواع سبب بروز طاعون شده
شده زیادای از ایشان بپاک شدند پر کلیس با وجود ناخوشی جنگ سختی با آنها
نمودند و ... انقراض قشونش بپاک شد و کفت پر کلیس را قسم نموده او را

سرداری وضع نمودند و سپردند و خوب بر کلیس از طاعون مردند ولی بر کلیه هیچ
برگ آنجا اهمیت نداده و همیشه وطن را مدافع نموده تا آنکه سپهر خورشید برآید
بر کلیس تاج عزت ابر سپهرش گذاشته گریه زیادی نمود و این اول دفعه بود
که این سردار بزرگ گریه وزاری نمود

آئینا و در مرتبه بر کلیس و سردار نمودند ولی این دفعه بواسطه ضعف و غصه زیاد
این سردار بزرگ و چار طاعون کشته و در سال ۱۰۲۹ درگذشت

دوستان بر کلیس از نزدیک مردنش بدرد او حسیع شده فوتحات او زیاد
میآوردند سردار بزرگ با صدای ضعیفی دوستان را خطاب نموده گفت تمام حتم
دینار ابرو هام و با بحال باعث برگ کسی نشده ام

تسخیر طلات — مدت چند سال اسپارت با آتیک آمده آنجا را غارت
نمودند از آن طرف هم آتیک با جمل طغیان آمده آنجا را غارت میکردند اسپارت با
سایرین تجارنی آن را تسخیر می نمودند ملاحظه شد در دور یا میآید که از آن طرف
قاصدین اسپارت را در راه با و آن میآید خستند

تسون اسپارت طلات را محاصره نمود در این شهر فقط یک دسته تسون قاصدین برای
پنخن بود پادشاه اسپارت چند جوان قهرمانی نموده و از خدایان طامی طلات خوا

تسخیر شهر انود

چون حصار این شهر محکم ساخته بودند بسیار تیرها تو استند زود بخار اسخر کنند از آن
خوبستند بخار آتش برزند ولی دروسای قشون اهل برای پسندیده فرار دادند که
مکملی با خند خندق بدور پلایست از بالا خرد مدت در اول شهر را احاطه نمودند تا
طلات آب تنگ آمده در شب تاریکی ۲۲۵ مرد جنگی از حصار پانین آمده و با خرد
تیر و حمله بسیار تیرها نمودند بعد از جنگ فرار کرده بآن رفتند پسندت شهر
سخر نموده تمام مردان را قتل رسانیده در زمان رهنبرد خندق بعد از شهر خراب

کرده و طلعات را بستند

شهر شمس و تسخیر میستیلین — میستیلین بزرگترین شهر لرستان بود کشتی
صنف آن را مشاهده کردند با تیرها آتش شدند آنها ۲۵۰ کشتی و ۳۰
تسوان در پیستید و میستیلین و آکارمانی که داشتند

مستیلین تسلیم شده و سپاه رهنمایی که در آنجا بودند بعد پناه بروند ولی آنها
آنها را با کسر و نشان از معابد بیرون آورده و با غل و سرخی به آن فرستاده و
آنها را اهل رسانیدند

چون آنجا را از میستیلین فراغت حاصل کردند خواستند که شهرهای متحد دیگر لرستان

رفا درکنند از اینجست قرار دادند که تمام ساکنین مستیلین در قتل رسانند و آنی رؤ
دیگر از این حکم پشیمان گشته و قاصدی برای منع قتل مستیلین روانه نمودند
کنین مستیلین از قتل خلاص شدند ولی شهرشان خراب گشته و در پیشتر ۳۰۰۰
قیمت شده و هر کدام را به یکی از نجیبای آتن بخشیدند

نیاس و کلین — بعد از مرگ پرکلِس دو نفر در باب ریاست مجلس
آتن همیشه نزاع داشتند

رئیس دگمگراتها کلین بود این شخص دارای چند کارخانه و باغی بود (در استفا
که رقیب او بود او را مسخره نموده و باغ خطابش هم میکرد)

کلین حکم قتل مستیلین را داد زیرا که عداوت زیادی با سپارتها داشت و
میگونید جنگ را و سبب شد

نیاس یکی از متمولین بزرگ آتن بود چند نقره در لریوم ملک بود
گویند در معدن نقره اش ۱۰۰۰ غلام خدمت میکردند این شخص خلیف عالم
بنوده لکن چون همان نواز و حامی خصما بود کم کم در آتن مشهور گشت

نیاس بخت دگمگراتها بود و جد و جهد زیادی برای اصلاح نمود
و قایع پس و اسفاگیری — نتیجا برای حفظ شهرتیشی آتی که در

جزیره سیسل و اقامت چندگشتی و قده قشون بریاست و مستن فرستاده بود
این سردار فتوحات زیادی در اکار نامانی کرده بود

و مستن برای حفظ امنیت نامی که به سپاهت شوریده بودند خواست چند سنکر
روی کوهی که مشرف بر پلین است بنا نماید سرداران انحراف را پسندیدند ولی سران
چند سنکر خاکه و مستن کعبه بود ساختند در این ایام سپاهت با عید داشتند و تمام
از ساختن سنکر با کردند

بعد از شش روز نمایان آتن از پلین مراجعت نموده و مستن را با پنج گشتی از تعدادی
قشون در آنجا گذاشتند سپاهت با عید قشون خود را از آنجا و گریس بر گردان
و مستن را احاطه نمودند

۴۴۰ پلین سپاهت از گشتی بیرون آمده در جزیره انکا گری فرود آوردند
تعدادی از قشونش را آورد و مشرکوه نگاه داشته و خوبا به پلین جلوسید
پلین را نگاه داشته مدت دور و نزدیک کرد و هر امر سپاهت با خواستند
نمایند ولی ده گشتی از آتن به ملک مستن آمده و نمایان سپاهت را
داد و چهار صد و بیست و پنج سپاهت را که تمام از خانزاده و نجیب بودند بین
نمایان قشون آتی گرفتار شدند